

دکتر سید علی رضا ابطحی
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
Abtahi1342@yahoo.com
کیما کشتی آرا
کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
kia.aras1800@yahoo.com

گذری اجمالی بر عملکرد تقی فداکار عضو اتحادیه کارگری حزب توده در اصفهان (1320-1332ش)

چکیده:

از دیرباز یکی از راه‌های بازشناسی حوادث تاریخی بررسی زندگی شخصیت‌های سیاسی و تاثیر آنها در روند شکل‌گیری تحولات بوده است. شیوه تصمیم‌گیری و نحوه عملکرد این اشخاص در برهه‌های مختلف منجر به وقوع تحولاتی شده که می‌تواند در دست‌یابی به این مهم مؤثر واقع گردد. به این ترتیب، پژوهش پیش رو با هدف درک بهتر حوادث سیاسی پس از شهریور 1320 ش/1941م، در شهر اصفهان با طرح این پرسش که عملکرد تقی فداکار از اعضای حزب توده در عرصه فعالیت‌های سیاسی در شهر اصفهان چگونه بوده است؟ و با در نظر گرفتن این فرضیه، که وی نقشی فعال در جذب کارگران و حمایت از خواسته‌های صنفی آنها داشته است، به بررسی نقش این چهره در اتحادیه کارگری وابسته به حزب توده و مجلس شورای ملی پرداخته است. پژوهش نشان می‌دهد چگونه حزب توده به جلب طبقه کارگر به عنوان قشری تاثیرگذار در روند حوادث سیاسی کشور به منظور دست‌یابی به اهداف خود توجه داشته است.

واژگان کلیدی: اصفهان، اتحادیه کارگری حزب توده، مجلس چهاردهم شورای ملی

مقدمه

عدم تحقق مطالبات صنفی کارگران در سالیان متمادی دوران پهلوی اول سبب شد، پس از سقوط سلطنت رضا شاه در شهریور 1320 هـ.ش/1941م، حزب توده زمینه را برای فعالیت‌های سیاسی در شهر اصفهان مساعد یافته و شعبه‌ای از حزب را در سال 1321 هـ.ش، در این شهر تأسیس کند. یکی از فعالان شعبه اصفهان، تقی فداکار بود که به عنوان چهره‌ای تازه نفس و فعال توانست به جنبش کارگری جان تازه‌ای بخشیده و با در دست گرفتن نبض فعالیت‌های سیاسی این گروه به تشکیل اتحادیه کارگری، در اصفهان اقدام کند. حمایت کارگران و حزب توده در مقطعی از وی سبب شد که به یکی از چهره‌های شاخص سیاسی اصفهان تبدیل شود. وی توانست در چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی به عنوان نماینده راهی مجلس شود و فعالیت‌های خود را تا کودتای 1332 ه.ش ادامه دهد. در این پژوهش تلاش شده تا با معرفی شخصیت فداکار، به گوشه‌ای از فعالیت‌های او در عرصه سیاسی تا هنگام کناره‌گیری از این حوزه اشاره شود. زیرا توجه به زندگی این فعال سیاسی، پس از شهریور 1320 هـ.ش/1941م، در صحنه کشاکش‌های سیاسی و صنفی کارگران اصفهان می‌تواند ما را با فضای سال‌های اول فعالیت کارگران بیشتر آشنا کند. همچنین با بررسی زندگی او می‌توان نقش حزب توده و جنبش کارگری در شهر اصفهان را روشن‌تر ساخت. اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از منابع تحقیقاتی و اسناد، خاطرات و پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص عملکرد حزب توده با استفاده از روش تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی جمع‌آوری شده است. پژوهش نشان می‌دهد موفقیت فداکار در جلب حمایت کارگران با بهره‌گیری از ابزارهایی همچون اعتصاب و اعتراض در دستیابی به خواسته‌های صنفی صورت پذیرفته است. معرفی این شخصیت در درک بهتر شرایط حاکم در آن روزگار مؤثر است. به این ترتیب می‌توان دریافت کدام ایدئولوژی و فکر در این برهه از زمان طرفدارن بیشتری داشت و کدام احزاب و گروه‌ها در جذب افراد و ترویج اندیشه خود در میان اقشار مختلف جامعه موفق‌تر بوده‌اند.

زمینه تشکیل اتحادیه کارگری حزب توده در اصفهان

اوضاع اقتصادی پس از اشغال ایران در شهریور 1320 ه.ش/1941 م، به دلیل حضور نیروهای متفقین در کشور بسیار وخیم و اسفبار بود. کمبود ارزاق و افزایش قیمت مواد غذایی و تورم فزاینده عرصه زندگی را بر همگان تنگ کرده و با وجود تلاش دولت برای سامان دادن به اوضاع آشفته کشور شرایط زندگی در اکثر شهرهای ایران از جمله در شهر اصفهان بسیار سخت بود.^۱ در آن ایام، از هجده میلیون نفوس ایران، تعداد کارگران صنعتی نزدیک به دویست هزار نفر بود، که بطور عمده در شهرهای تهران، آبادان، اصفهان و قائم شهر متمرکز بودند. به دنبال جنگ جهانی دوم صنعت در ایران رشد نازلی داشت و معدود صنایع سبک کشور نیز بطرف ورشکستگی می‌رفت.^۲ کارگران شاغل عموماً روستاییانی بودند که به دلیل فقر شدید راهی شهرها شده و با حقوق ناچیزی در کارگاه‌ها و معدود کارخانه‌ها کار می‌کردند.^۳ در حدود 140 تا 150 هزار نفر از اکثریت جمعیت شهر اصفهان را نیز طبقه کارگر و پیشه‌ور به همراه خانواده‌هایشان تشکیل می‌دادند، که به دلیل درآمد کم، توانایی تامین مایحتاج خود را نداشته و از آنجایی که دولت و کارخانه‌داران پاسخی به درخواست‌های مکرر آنها نمی‌دادند، به دنبال شرایط سخت زندگی و مشکلات اقتصادی به دنبال راه چاره‌ای برای سامان دادن به اوضاع خود بودند.^۴ همین امر سبب شد تا کارگران به ایجاد و بازسازی اتحادیه‌های کارگری در اکثر شهرها از جمله در شهر اصفهان گرایش پیدا کنند.^۵ در حقیقت کارگران به دنبال رهبرانی قدرتمندی بودند تا در سایه حمایت آن‌ها بتوانند به تحقق خواسته‌های صنفی خود جامه عمل ببوشانند. این روند درست زمانی بود که فضای باز سیاسی ناشی از سقوط پهلوی اول این امکان را به احزاب و گروه‌ها می‌داد تا از فرصت پیش آمده بهره برده و در میان قشرهای مختلف جامعه نفوذ کرده، هوادارانی بیابند.^۶ حزب توده پس از سازماندهی برنامه‌هایش در تهران، به گسترش شعب در سراسر کشور پرداخت. شهر بزرگ و صنعتی اصفهان از ابتدا مورد توجه خاص حزب بود. حزب که با شعار حمایت از طبقه کارگر فعالیت خود را از سر گرفته بود به دلیل وجود کارخانجات نساجی و حضور کارگران در شهر اصفهان، زمینه را برای فعالیت در این شهر مناسب دید. بدین ترتیب شعبه‌ای از حزب در سال 1321 ش، در این شهر تأسیس شد. در این تشکیلات چهره‌هایی همچون: محبویان، مالواجو، نظری، سهرابیان و افکاری مسئولیت داشتند.^۷ از جمله فعالان شعبه اصفهان، تقی فداکار بود که به عنوان چهره‌ای تازه نفس و فعال توانست به جنبش کارگری جان تازه‌ای ببخشد.^۸

از مهمترین اقدامات حزب توده در اوایل سال 1321 ه.ش تاسیس اتحادیه کارگری به نام (شورای مرکزی اتحادیه کارگری و زحمتکشان ایران) به ریاست رضا روستا بود. این سازمان توانست با پوشش کاملاً غیر کمونیستی و با بهره‌گیری از افراد غیر کمونیست، در تهران قریب به 1000 کارگر و در سایر شهرها عده قابل توجهی را پیرامون خود گرد آورد. در سال 1322 ه.ش، (شورای مرکزی...) با دو سازمان کارگری دیگر ائتلاف کرد و نام خود را به (شورای متحده مرکزی...) تغییر داد.^۹ از جمله تشکیلات بسیار فعال حزب توده در شهر اصفهان شورای متحده کارگری وابسته به این حزب بود. شورای متحده کارگری در سال 1321 ش/1942 م، توسط حزب ایجاد شد. هدف از تشکیل این شورا متشکل ساختن کارگران بود و عدم تحقق مطالبات صنفی کارگران در سال‌های متمادی سبب شده بود، حزب زمینه فعالیت‌های سیاسی در شهر اصفهان مساعد یابد.

حزب با بهره‌گیری از موقعیت پیش آمده برای یافتن جایگاهی در میان کارگران با شعار حمایت از اتحادیه‌های کارگری و ارائه امکانات افراد را به سوی خود جلب کرد. از جمله شخصیت‌هایی که در شروع این حرکت با حزب توده همراه شد تقی فداکار بود.^{۱۰} وی به دعوت کارگران، رهبری بنیاد اولیه اتحادیه در اصفهان را که در شهریور 1320 ه.ش/1941 م، مخفیانه بنا شده بود به عهده گرفت و با متشکل کردن کارگران و یافتن اعضای فعال در میان آنها دست به فعالیت در کارخانه‌ها زده و از آنجایی که فعالیت‌های خود را بر روی رفع مشکلات زندگی کارگران متمرکز کرده بود به تدریج توانست توجه این طبقه را به سوی خود جلب کند.^{۱۱}

تقی فداکار و اولین گام‌ها در جاده سیاست

تقی فداکار، فرزند شیخ محمد انصار ترک همدانی، در سال 1282 ش، در شهر اصفهان متولد شد، در این شهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را گذراند^{۱۲} و در نوجوانی تحت تأثیر افکار انقلابی برادرش باقر خان عراقی، به نهضت جنگل پیوست. پس از شکست نهضت جنگل برای ادامه تحصیل به مدرسه علوم سیاسی رفت. در مدت اقامت در تهران با سلیمان میرزا اسکندری و مدرس آشنا شد و با وجود پابندی به اعتقادات مذهبی به ایدئولوژی مارکس و انگلس گرایش یافت.^{۱۳} در بازجویی که بعدها در تاریخ 27/4/46، جانب ساواک از او به عمل آمد، وی خود را این چنین معرفی کرد: (... اسم: تقی، نام فامیلی: فداکار، فرزند مرحوم محمد، دارنده شناسنامه 2522 صادره از

بخش چهار اصفهان اهل و ساکن اصفهان بخش چهار خیابان نشاط و ملک کوچه شیخ یوسف و متولد سال 1282 شمسی و شغلم وکیل پایه اول دادگستری و قسمتی هم به شغل کشاورزی مشغول هستم. ...))^{۱۴}. نخستین شغل او در شرکت تجاری روسی بود و در آن جا با زبان روسی آشنا شد.^{۱۵} چندی بعد به استخدام اداره ثبت اصفهان در آمد و مدتی نیز به وکالت اشغال داشت و تا زمانی که رضا شاه از سلطنت کناره گرفت، در همین حرفه مشغول بود. او در سال 1321 ش با معرفی سلیمان اسکندری به حزب توده پیوست، عبدالصمد کامبخش از اعضای کمیته مرکزی حزب توده نیز در این راه وی را متقاعد کرد و رهبری اتحادیه کارگران اصفهان را در دست گرفت.^{۱۶}

حضور تقی فداکار در اتحادیه کارگری اصفهان

شاخه اصفهان حزب توده در 22 خرداد 1321 ه.ش، تشکیل شد. رهبران اولیه کمیته ولایتی عبارت بودند از: تقی فداکار، محرم علی شهیدی، نعمت الله بهرام پور، احمد کفعمی، عبدالحسین بزرگزاد، ژرژ قسطنیانیان، احمد کشاورز، حسن عصر طلایی، مدتی بعد محمود بقراطی نیز از سوی رهبری حزب توده به منظور تقویت فعالیت حزب به اصفهان اعزام شد.^{۱۷} وی از گروه 53 نفر ارانی از دیگر رهبران حزب بود که به کمک نعمت الله بهرام پور، برای پیوند اتحادیه با حزب توده فعالیت می کرد.^{۱۸} زیرا در آن برهه زمانی مهمترین مرکز فعالیت (شورای متحده کارگری) در شهر اصفهان بود.^{۱۹}

اسکندری، در مقابل علی شمیمه از فعالان حزب، که از آذربایجان شوروی آمده^{۲۰} و از طرف حزب توده در شهرهای اصفهان، تهران و تبریز به کار اتحادیه مشغول بود^{۲۱} و تندروی بیشتری داشت، کمیته مرکزی را قانع کرد تا تقی فداکار رهبری اتحادیه را بپذیرد. در مراسم افتتاح مرکز رضا روستا، عضو کمیته مرکزی حزب نیز از تهران حضور یافت و برای حضار سخنرانی کرد و به این ترتیب تلاش برای فعالیت‌های تبلیغاتی آغاز شد و با کارگران مستعد تماس گرفته شد.^{۲۲} پس از مدتی میان فداکار و کمونیست‌های اعزامی از تهران درگیری روی داد زیرا او اصولاً کمونیست نبود و از همین رو بود که تعداد زیادی از کارگران اصفهان به اتحادیه کارگری پیوسته بودند. به علاوه او اتحادیه را مستقل از حزب می دانست و نه زیر مجموعه آن و علی رغم همکاری با رضا روستا، نام اتحادیه را (شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان اصفهان) گذارده بود و نه (شورای

ایالتی اتحادیه...^{۲۳} بدین ترتیب با محمود بقراطی نماینده اعزامی حزب از مرکز در مورد نفوذ توده-ای‌ها در اتحادیه درگیر شد. البته در این مسیر موفقیت‌هایی نیز یافت^{۲۴} زیرا اکثریت طبقه کارگر صنعتی ایران مذهبی بودند و کسانی که به حزب توده و شورای متحده روی می‌آوردند بیشتر به دنبال نیازهای اقتصادی خود بودند تا انگیزه‌های سیاسی.^{۲۵}

فداکار در بازجویی که از او بیست سال بعد و پس از غیر قانونی اعلام شدن فعالیت حزب توده و جدایی او از این حزب، توسط ساواک صورت گرفت در این خصوص گفته بود: (... س - به طور کلی چه اشخاصی در آن موقع به شما با نحوی از انحاء همکاری داشتند آن‌ها را معرفی کنید. ج - من خودم جزو حزب توده بودم ولی کارگران را از عضویت حزب توده به علت عدم اطلاع و نداشتن معلومات برای عضویت صلاح نمی‌دانستم مخصوصاً وقتی تحریکات مرکز بعد از فوت سلیمان میرزا علیه من شروع گردید و فعلاً هیچ کدام از کارگران و اعضا اتحادیه در کار نبوده و اغلب بازنشسته و یا فوت نموده که به علت گذشتن بیست سال جزئیات آن را نمی‌دانم...^{۲۶}).

صحبت‌های فداکار خیلی زود توانست نظر کارگران را به خود جلب کند و گفته‌های دلگرم کننده او مبنی بر توانایی کارگران برای تغییر شرایط زندگی آنها را هر چه بیشتر به سوی متشکل شدن با یکدیگر در قالب اتحادیه سوق داد و به اینگونه روز به روز بر نفوذ او و همفکرانش در درون تشکیلات کارگری در کارخانه‌ها افزوده شد و از آن جایی که او در اصفهان زاده شده بود کارگران با وی احساس همدلی کرده و او را از خود می‌دانستند.^{۲۷} روند فعالیت‌های حزب در ابتدا بر پایه مخفیانه بنا شده بود اما پس از 28 مرداد 1321 ه.ش، انسجام و اتحاد در میان کارگران این امکان را به حزب توده اصفهان داد تا با انجام اعتصابات در جهت تحقق خواسته‌های خود برآیند. اعتصاب موفق آمیز در کارخانه‌های بافندگی تجربه بسیار مهمی را برای کارگران به ارمغان آورد، هر چند ابتدا با مقاومت کارخانه داران و مقامات دولتی رو به رو شدند اما بعد کم کم سبب شد امتیازاتی را دریافت کنند. همین امر موجب شد آنها در یابند می‌توانند با به راه اندازی اعتصابات مطالبات خود را عنوان کنند و کارخانه داران را مجبور کنند به خواسته‌های آنها رسیدگی کنند.^{۲۸}

موفقیت کارگران کارخانه‌های بافندگی، به کارگران ریسندگی نیز جرات اعتراض و اعتصاب داد و همین امر سبب شد قوام از دامنه دار شدن اعتصابات و گسترش آن به سایر شهرها احساس نا

رضایتی کند و در صدد راه حل بر آید بنابراین هیئتی را به سرپرستی سیدعلی نصر(معاون وزارت پیشه و هنر) به اصفهان اعزام کرد. هیئت اعزامی اموری را در دستور کار خود قرار داد و در این خصوص حتی توافق نامه‌هایی را نیز با کارخانه داران امضا کرد، اما پذیرش این توافق‌ها مانند افزایش دستمزد کارگران در قسمتهای مختلف کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و همچنین فراهم آوردن شرایط بهتر آموزشی و زندگی برای کارگران و خانواده هایشان صرفاً در ظاهر توسط کارخانه داران پذیرفته شد، و در عمل بازخوردی نداشت. بنابراین هنگامی که کارگران متوجه شدند کارخانه داران قصد انجام این قبیل امور را ندارند هر چه بیشتر به سوی اتحادیه کارگری سوق داده شدند. کارگران در ابتدا صرفاً از جانب نمایندگان خود با کمیته حزب توده و شخص فداکار در ارتباط بودند. این نمایندگان گزارشات خود را مبنی بر وضعیت زندگی کارگران به فداکار ارائه می‌دادند و در خصوص فعالیت‌ها دستورات لازم را از او دریافت می‌کردند. شرایط آن‌ها را مجاب کرد که در قالبی متحدتر و از طریق تشکیل اتحادیه‌ای وسیعی تر و نه صرفاً در سطح هر کارخانه بهتر میتوان دست به اقدامات اساسی زد، بنابراین روز 15 آذر 1321 ه.ش اتحادیه کارگران اصفهان تأسیس خود را اعلام کرد.^{۲۹} ریاست اتحادیه با تقی فداکار بود، او اتحادیه را به همراه بهرام پور اداره می‌کرد.^{۳۰} مرامنامه منتشر شده توسط اتحادیه نشان می‌داد که آنها در تلاش هستند تا از وضعیت به وجود آمده به دلیل نبود قانون درست و مدون، در رابطه کارگر و کارفرما رهایی یابند. هر چند مرامنامه دارای نواقصی بود و اتحادیه برخلاف سایر اتحادیه‌های کارگری در ایران نتوانسته بود به درستی به تفکیک وظایف بپردازد اما این حرکت شروع راهی بود که از کارگران می‌خواست تا اتحادیه را به عنوان نماینده خود برای حل اختلافاتشان با کارفرما بپذیرند. گزارش استانداری اصفهان برای شخص نخست وزیر حکایت از پیگیری این فعالیت‌ها توسط مقامات دولتی اصفهان و تحت نظر بودن فعالیت‌های تقی فداکار دارد.^{۳۱}

در مقابل کارخانه داران و کارفرمایان نمی‌توانستند حضور اتحادیه کارگران، را به عنوان نهادی صرفاً صنفی بپذیرند و همین امر سبب شد در برابر فداکار که از آنها می‌خواست اتحادیه را به عنوان نماینده کارگران برای حل اختلافات خود و جامعه عمل پوشانیدن به توافق نامه 15 شهریور بپذیرند واکنش تندی نشان داده و از ماموران شهربانی بخواهند در برابر کارگران از آنها حمایت کنند. بر خورد بد ماموران شهربانی با کارگران و دستگیری نمایندگان آنها به رغم دستور قوام برای پایان

دادن به اختلافات و رسیدگی شهربانی به شکایات باعث نارضایتی بیشتر کارگران شد. اما از آنجا که علاوه بر شهربانی سایر مقامات اصفهان هم از فعالیت‌های اتحادیه ناراضی بودند، نمایندگان اتحادیه اصفهان و شخص فداکار را مسئول نا آرامی و تحریک کارگران معرفی کرده و عنوان کردند که قصد خاتمه دان به این اختلافات را دارند. برای تضعیف موقعیت اتحادیه جلسه‌ای با حضور مقامات تشکیل شد. در این جلسه عنوان شد که اجازه داده نخواهد شد که اشخاصی مانند فدا کار نظم عمومی را بر هم بزنند، همچنین بر لزوم افزایش حقوق کارگران توافق شد، ولی با وجود افزایش دستمزد، اعتراضات کارگران خاتمه نیافت و همین موضوع زمینه را فراهم کرد تا اتحادیه کارگری اصفهان بتواند بهتر از اوضاع بهره‌گیر و اعتصابات را سازماندهی کند و کارگران ناراضی را به سوی خود جلب کند.^{۳۲} بدن ترتیب اعتصاب گسترده 17 اسفند روی داد و چون کمیسیون رسیدگی به شکایات این وضع را ناشی از تحریک افرادی مانند فداکار می‌دانست با کارگران بر خورد تندی کرد و از دولت قوام خواست تا اجازه دهد از ادامه فعالیت اتحادیه کارگری اصفهان جلوگیری شود اما قوام نپذیرفت، و در مقابل این طرح را که بهتر است به کارگران مبلغی پول تحت عنوان عیدی داده شود را مطرح کرد.

این امر نشان می‌داد که قوام به خوبی از اوضاع روز آگاه و به این مسئله واقف بود که مانند سابق نمی‌توان از طریق رعب و زور و به شیوه ترساندن کارگران از ماموران دولتی آنها را از عنوان کردن خواسته‌های خود منصرف کرد. وضعیت و شرایط اقتصادی به گونه‌ای نبود که کارگران عدم افزایش دستمزد برای بهبود زندگیشان را بپذیرند بنابراین از اتحادیه جانبداری کرده و همین امر سبب شد پس از برکناری قوام و روی کار آمدن دولت سهیلی به رغم درخواست مکرر مدیران کارخانه‌ها مبنی بر پایان دادن به کار اتحادیه، کارگران از اتحادیه حمایت کنند.^{۳۳} مقاومت کارگران و همکاری با اتحادیه موجب شد تا سهیلی با فرستادن هیئتی به نمایندگی دکتر شیخ (ریس اداره تعلیمات وزارت پیشه و هنر) به عنوان واسطه‌ای میان نمایندگان اتحادیه و مدیران کارخانه‌ها عمل کرده و هر دو را راضی به امضای توافق نامه‌ای کند که در آن شرایطی برای بهبود وضعیت زندگی کارگران در نظر گرفته شده بود. فدا کار در این جلسه به عنوان نماینده کارگران حضور داشت. هیأت اعزامی نقش میانجی را در میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان را بر عهده داشت و در نهایت با در نظر گرفتن

حداقل دستمزد براساس هزینه زندگی یک خانواده چهار نفره‌ی کارگری امتیازاتی به شرح زیر نیز به کارگران داده شد:

- (1) کاهش ساعت کار از 12 ساعت به 8 ساعت در هر شیفت
- (2) دریافت 35 درصد اضافه حقوق برای کار شب
- (3) دریافت روزانه 20 سیر نان رایگان برای هر کارگر
- (4) دریافت سالی یک ماه حقوق به عنوان پاداش سالیانه ، در شب عید نوروز
- (5) دریافت حقوق روزهای اعتصاب
- (6) دریافت پانزده روز مرخصی استحقاقی برای هر کارگر.^{۳۴}

این موفقیت باعث گرایش بیشتر کارگران به اتحادیه شد و روز به روز بر عضویت کارگران افزوده شد به گونه‌ای که اتحادیه به یکی از قویترین اتحادیه‌های کارگری در ایران تبدیل شد. پس از آن فعالیت‌های فداکار و یارانش بیشتر بر حول محور افزایش آگاهی کارگران در خصوص فعالیت‌های سندیکایی متمرکز شد و جلساتی با کارگران ترتیب داده می‌شد و در خصوص فایده این گونه فعالیت‌ها صحبت می‌شد و از روند انجام امور در کارخانه‌ها توسط کارگران اطلاعاتی مبادله می‌شد. با وجود اجرای بخشی از توافق نامه هنوز کارخانه داران و مقامات اصفهان در اندیشه کاهش نفوذ فداکار و از مرحله بعد از میان برداشتن اتحادیه کارگری بودند. شاید بتوان گفت زمینه این هدف برای آنها از زمان جریان انتخابات انجمن شهر فراهم شد، فداکار در این انتخابات کاندید بود و با وجود رای کارگران و حمایت‌های فراوان، به دلیل ایجاد اختلافات، رقابت و اتهاماتی مبنی بر تقلب در انتخابات از جانب حزب توده، مجبور به انصراف از موقعیت خود شد.^{۳۵} این واکنش فداکار و حزب توده در برخورد با نتیجه انتخابات و چشم پوشیدن از آرا و کناره گیری از انتخاب شدن موجب شد، که اندکی قضاوت در خصوص عملکرد او به زیر سوال رود و این اتهام متوجه او شد که توافقاتی در میان حزب توده و مقامات اصفهان صورت گرفته تا در مقابل چشم پوشی از نمایندگی انجمن شهر کرسی در مجلس به تقی فداکار به عنوان نماینده حزب توده داده شود.

در هر حال شواهد نشان می‌دهد، در مدت زمانی اتحادیه هم از جانب دولت مرکزی و هم از جانب حزب توده تحت فشار بود، زیرا هر دو این نهادها فعالیت اتحادیه را در قالب مستقل به نوعی تهدید برای خود احساس می‌کردند. دولت با آن که می‌دانست می‌تواند از طریق دست آویز قرار دادن اتحادیه در مقابل حزب توده قد علم کند اما در عمل از محبوبیت و استقلال اتحادیه نیز وحشت داشت و حزب توده نیز در واقع از افزایش قدرت اتحادیه و شخص فداکار و کاهش نفوذ خود در میان قشر کارگر و اقشار کم درآمد جامعه می‌ترسید، بنابراین از فاصله گرفتن تقی فداکار از اتحادیه احساس رضایت بیشتری می‌کرد. البته در جریان مبارزات انتخاباتی مجلس چهاردهم، حزب توده بقراطی را که تندروتر بود برای نامزدی حزب به فداکار ترجیح می‌داد با این حال از نمایندگی او نیز حمایت می‌کرد. با استناد بر گزارشی که در خصوص عملکرد حزب توده در جریان انتخاب نماینده برای مجلس شورای ملی منتشر شده است، نیز می‌توان دلیلی بر این ادعا یافت. در متن این سند آمده است:

(..... احتمال می‌رود به زودی حوادث خونینی در اصفهان در موقع انتخابات بوقوع پیوندد چون اکنون حزب توده اصفهان که تحت رهبری تقی فداکار لیدر حزب اداره میشود و اکنون هم اداره می‌شود و اغلب دستورات را از تهران به مشارالیه به وسیله اشخاص مخصوصی صادر می‌شود و فعلاً مشارالیه نیز از طرف کمیته مرکزی خود کاندید اصفهان نامزد است و از طرف کمیته مرکزی دستور داده شده است آرائی به نفع مشارالیه ریخته شود و یک وکیل دیگر از طرف حزب توده به مجلس بفرستند و چون وکلای دیگری را نیز نامزد کرده‌اند.....)^{۳۶}

نکته قابل تامل، پشتیبانی کنسول انگلیس از او به عنوان شخصی میانه رو بود به گونه‌ای که حزب توده را از مخالفت با وی منصرف کرد. استدلال کنسول این بود که اصفهان از شخص فداکار حمایت می‌کند اما از نامزد توده‌ای غیر اصفهانی نه.^{۳۷} در هر صورت این امکان برای تقی فداکار فراهم شد تا نماینده حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم باشد.^{۳۸} از مرکز نیز مقدمات برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات مجلس در تمام شهرها از جمله شهر اصفهان فراهم می‌شد، استاندار جدیدی نیز به این منظور به اصفهان اعزام شد.^{۳۹} روزنامه اصفهان، در شماره ۸، مورخ چهارشنبه 21 اردیبهشت ماه 1322 ش، در بخش اخبار شهری، خبر انتصاب فرج الله بهرامی دبیر اعظم، را به مقام استانداری اصفهان اعلام کرد.^{۴۰} او برای سامان دادن به اوضاع آشفته شهر در خصوص کمبود

نان و آماده نمودن شهر برای برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم به این سمت منصوب شده بود، در متن این خبر آمده بود: «..... بطوریکه رادیو تهران پریشب اطلاع داد جناب آقای فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) وزیر سابق کشور که سابقه خوب و درخشانی از فرمانداری سابق خودشان در اصفهان بیادگار گذارده‌اند بمقام استانداری استان دهم منصوب گردیده‌اند...»^{۴۱} به گفته همین روزنامه استاندار، در اواخر اردیبهشت ماه به اصفهان وارد شد و کار خود را آغاز کرد.^{۴۲} بدین ترتیب حزب توده تصمیم گرفت در جریان انتخابات مجلس چهاردهم از فداکار به عنوان نماینده این حزب برای ورود به مجلس حمایت کند. حزب پس از تصمیم‌گیری در این خصوص، در جهت حمایت و تبلیغات از او تصمیم به اعزام گروهی به شهر اصفهان گرفت. فعالیت‌های این حزب در اصفهان از نظر نیروهای امنیتی تحت کنترل بوده و در گزارشی به شهرداری اصفهان جهت مراقبت در خصوص اعزام این افراد آمده است:

گزارش

«.....مامور ویژه گزارش می‌دهد مطابق اطلاع واصله کمیته مرکزی حزب توده در نظر دارد عده‌ای از افراد فعال خود را جهت تبلیغ و فعالیت انتخاباتی به نفع تقی فداکار به اصفهان اعزام دارد گفته می‌شود تمام دستورات که از تهران به اصفهان صادر می‌شود با اطلاع و صوابدید تقی فداکار می‌باشد. برای مراقبت دستور تلگرافی به شهرداری اصفهان داده شده است. اخبار روز توده انتخابات اصفهان.....»^{۴۳} در هر صورت این امکان برای فداکار فراهم شد تا نماینده حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم باشد.^{۴۴} سیف پور فاطمی از رقبای انتخاباتی فداکار از جمله اشخاصی است که در خاطرات خود عنوان می‌کند که فداکار از حمایت وزیر مختار انگلستان سر ریچارد بولارد برای کسب کرسی مجلس برخوردار بوده است. همچنین او مدعی است، وزیر مختار انگلستان بولارد، دبیر اعظم بهرامی استاندار و سرتیپ قدر فرمانده لشکر اصفهان و صارم الدوله از جمله کسانی بودند که در انتخابات نفوذ تأثیر و دخالت داشتند.^{۴۵} ایرج اسکندری در خاطرات خود معتقد است شاید دلیل همکاری این اشخاص با فداکار به دلیل تلاش برای دور کردن او از اصفهان بوده است.^{۴۶} بدین ترتیب مقدمات انتخاباتی که در آن فداکار، به عنوان نماینده به مجلس شورای ملی راه یافت فراهم شد.

مجلس چهاردهم

انتخابات مجلس چهاردهم از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار بود و احزاب سیاسی در تکاپو برای کسب کرسی وارد میدان رقابت شدند. این انتخابات هنگامی صورت گرفت که نیروهای نظامی کشورهای متفقین در ایران بودند.^{۴۷} رقابتی نفس گیر و طولانی شش ماه تمام از زمان اتمام مجلس سیزدهم در جریان بود و در نهایت با حضور چهره‌های متفاوت با انگیزه‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون مجلس کار خود را آغاز کرد.^{۴۸} تا قبل از شروع انتخابات، حزب توده توانسته بود با مطرح کردن شعارهای تبلیغاتی از قبیل نان برای همه، بهداشت برای همه و فرهنگ برای همه، در میان روشنفکران، جوانان و کارگران از مقبولیت برخوردار شود و نیروهای اجتماعی قابل توجهی را به سوی خود جلب کند.^{۴۹} مبارزات انتخاباتی از خرداد ماه سال 1322ش، آغاز شد. انتخاباتی که به دلیل باز بودن فضای سیاسی کشور از اهمیت بسیاری برخوردار بود و به رغم نفوذ دولت در جریان آن و برقراری حکومت نظامی در برخی شهرها از جمله اصفهان با حضور احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی بسیاری انجام شد. شاه نیز به حوزه‌های انتخابیه تحت حکومت نظامی، بخصوص مناطق ناآرام اصفهان، فارس، کرمان و کردستان بیشتر اهمیت می داد.^{۵۰}

اما آنچه تا حدودی اوضاع را آشفته تر می کرد وزارتخانه تازه تأسیس خواریار بود که می توانست در انتخابات اعمال نفوذ کند، زیرا کسی نمی توانست بدون ارائه کارت جیره بندی اش رأی دهد در نتیجه نخست وزیر همراه با وزرای کشور و خوار بار، در تهران و مازندران، دو استان اصلی خارج از محدوده حکومت نظامی و نواحی تحت اشغال بیگانه به شدت اعمال نفوذ می کردند.^{۵۱} انتخابات شهرستان اصفهان در تاریخ 17 مرداد 1322 ش/ 1943م، آغاز شد، روزنامه اصفهان در روز دوشنبه مورخ 23 آبان ماه 1322ش، در شماره 52، در یک مقاله از تقلب گسترده در انتخابات و عدم توجه مسئولین به این مسئله خبر داد. در متن این گزارش آمده بود: رأی دهندگان از روی عدم آگاهی و بدون شناخت کامل کاندیداها در انتخابات شرکت جستند.^{۵۲} این روزنامه در ادامه خبر داد، که توجه کافی از سوی مسئولین در خصوص عدم تقلب در انتخابات صورت نمی گیرد و افرادی با یک شناسنامه چندین بار رأی می دهند و یا دیده شده که افرادی با شناسنامه مردگان در صندوق‌ها رأی می ریزند. برگزاری انتخابات و نیز شمارش آراء مدت زمان طولانی ادامه داشت. روزنامه اصفهان در 26 آبان ماه 1322ش، از نتایج شمارش آراء خارج از شهر اصفهان چنین گزارش داد:

)) رودشت :

رأی	نماینده :
876	آقای دولت آبادی
825	آقای فداکار
753	آقای امامی
399	آقای اعزاز نیک پی
	جی و برز رود :
3998	آقای فداکار
3707	آقای دولت آبادی
3707	آقای امامی
215	آقای سمیعی
171 (1135)	آقای اعزاز نیک پی

در 5 آذر 1322ش، تقی فداکار در مجموع با (30424) رأی از (40132) رأی حائز اکثریت معرفی شد و از حوزه اصفهان به مجلس راه یافت. سایر نمایندگان راه یافته به مجلس از استان اصفهان عبات بودن از : 1) حیدر علی امامی (اصفهان)، 2) نصرت الله فاطمی (نجف آباد)، 3) مهدی فاطمی (نائین)، 4) ابوالقاسم نراقی (نطنز، کاشان)، 5) دکتر غلام رضا کیان (شهرضا قمشه).^{۵۴}

به این ترتیب چهاردهمین دوره قانونگذاری در تاریخ 6 اسفند ماه 1322ش (مطابق با اول ربیع الاول 1263ق / 26 فوریه 1944م) افتتاح شد و در تاریخ 21 اسفند 1322ش برابر 27 ربیع الاول 1363ق، رسمیت یافت.^{۵۵} هنگامی که فداکار به مجلس راه یافت مخالفان او در مجلس و نیز اعضای مخالف او در حزب توده در صدد برآمدند، با تصویب اعتبارنامه وی مخالفت کنند، در

مقابل برای حمایت از او چندین کارخانه شهر اصفهان تعطیل شد و کارگران و عده‌ای از مردم به اعتراض بر آمده و تلگراف‌ها و طومارهای اعتراض آمیز به مجلس شورای ملی ارسال شد و تنها در پی تصویب اعتبارنامه‌ی، او این اعتراض‌ها خاتمه یافت.^{۵۶} با رفتن فداکار به تهران، سرپرستی اتحادیه به هیأتی 7 نفره با حضور شمس صدری که خواهان عدم تسلط حزب بر اتحادیه و از رقبای فداکار بود سپرده شد.^{۵۷}

عملکرد فراکسیون حزب توده در مجلس چهاردهم

پس از حضور در مجلس فداکار به فراکسیون حزب توده پیوست و در کنار نمایندگانی متمایل به گرایشات چپ در جریان جلسات مشغول فعالیت شد. به جز او که از اصفهان در فراکسیون حضور داشت سایر اعضا از شهرهای شمالی بودند.^{۵۸} در سندی که در سال 1329ش، توسط سازمان وزارت اطلاعات و امنیت کشور نوشته شده اسامی اعضای فراکسیون حزب توده در مجلس چهاردهم علاوه بر تقی فداکار به این شرح آمده است: (1 رضا رادمنش (لاهیجان، لنگرود)، 2) فریدون کشاورز (بندر انزلی)، 3) ایرج اسکندی (ساری، تنکابن)، 4) اردشیر آوانسیان (ارامنه شمال)، 5) محمد پروین گنابادی (گناباد، سبزوار)، 6) عبد الصمد کامبخش (قزوین)، 7) رحمان قلی خلعتبری (شهسوار) ...^{۵۹}. در برخی از منابع از شخصی به نام ولی الله شهاب فردوس (فردوس، تون، و طبس) نیز نام برده شده است.^{۶۰}

مرتضی یزدی و سلیمان میرزا اسکندری هر دو از (تهران) نیز جز کاندیداهای حزب توده بودند و بیشترین آراء نیز نصیب یزدی شد.^{۶۱} اما سلیمان میرزا اسکندری در جریان انتخابات در 17 دی ماه 1322ش، درگذشت^{۶۲} که به همین منظور نیز مجلس ترحیمی از سوی اتحادیه کارگران در روز سه شنبه 20 دی ماه برای او در اصفهان برگزار شد.^{۶۳} اعتبارنامه خلعتبری پس از تشکیل مجلس رد شد.^{۶۴} بدین ترتیب هشت کرسی در اختیار نمایندگان حزب توده قرار گرفت.^{۶۵} از نکات قابل توجه در این دوره از مجلس حضور عناصری بود که پیش از این از صحنه سیاست رانده شده بودند، از قبیل سید ضیاءالدین طباطبایی که به عنوان نماینده مردم شهرستان یزد انتخاب شده بود و از حمایت دولت وقت برخوردار بود و نیز دکتر محمد مصدق که در این دوره به عنوان نماینده اول مردم تهران راهی مجلس شده بود.^{۶۶}

اولین اقدام فداکار پس از حضور در مجلس همراه شدن با مصدق در مخالفت با اعتبار نامه سیدضیاء طباطبایی بود.^{۶۷} در اولین جلسه مجلس دکتر مصدق، رادمنش و فداکار در این خصوص اعتراض کرده بودند، بنابراین در صبح روز سه شنبه 16 اسفند در دومین جلسه، به ریاست آقای اسعد در دنباله مذاکرات جلسه قبل و تصویب اعتبارنامه های نمایندگان، مصدق به عنوان اولین نفر اجازه صحبت یافت و از نمایندگان حزب توده خواست مخالفت خود را پس بگیرند تا او بدون اتهام همراهی با حزب توده علیه سید ضیاء صحبت کند، به این ترتیب رادمنش و فداکار مخالفت خود را پس گرفتند. همچنین فراکسیون از اعتبار نامه پیشه وری و خویی نیز به چشم می خورد. مجلس منطقه اشغالی شوروی انتخاب شده بودند، چهره‌ی پیشه وری و خویی نیز به چشم می خورد. مجلس مدعی بود، انتخاب این دو نفر به دور از اصول قانونی صورت گرفته و بدین ترتیب با اکثریت عظیمی اعتبارنامه آنان را رد کرد.^{۶۸} حوادث سیاسی و عوامل مختلف دیگر به تدریج سبب شد، دو گروه اکثریت و اقلیت در مجلس ایجاد شود، اقلیت مجلس به رهبری دکتر محمد مصدق به همراه فراکسیون حزب توده و اکثریت مجلس به رهبری سید ضیاء الدین طباطبایی و دکتر طاهری و جلیلی بود.^{۶۹}

فراکسیون حزب توده به عنوان یکی از فعال ترین فراکسیون های این دوره، در اثر مبارزات پیگیر اتحادیه، توانست لایحه قانون کار را که حاوی خواسته های قانونی کارگران بود را تسلیم مجلس کند. همچنین فراکسیون به فشارهای وارده از سوی دولت به منظور تعطیلی روزنامه های وابسته به این حزب اعتراض داشت. از جمله حوادث مهم در مجلس چهاردهم و نقش چشمگیر فراکسیون حزب توده، در مسئله نفت شمال و موضعگیری حزب در قبال واگذاری امتیاز به شوروی بود و نیز غائله دموکرات ها در آذربایجان و کردستان بود.^{۷۰} در گزارش محرمانه شهربانی مورخ 18 مهرماه 1324 ش، در خصوص موضع فداکار نماینده مجلس در قبال غائله آذر بایجان آمده است: **((...مهر 1324 ش.... شب 18 ماه جاری تقی فداکار نماینده فراکسیون توده در جلسه خصوصی روشنفکران حزب توده اظهار می داشت: دولت به ما پیشنهاد کرده است اگر می خواهید درب کلوبهای شما باز و جراید دست چپ آزاد شود، باید متعهد شوید و قول دهید که با حزب دموکرات تبریز مبارزه و مخالفت نمائید و بر علیه آنها شروع به کار کنید. البته دولت هم از شما حمایت می نماید. ولی در مقابل این پیشنهاد دولت کمیته مرکزی پاسخ داده است که حزب توده نمی تواند این شرط را قبول**

نماید. اما اگر شما درب کلوبهای حزب را باز و جراید را آزاد کنید، ما قول می‌دهیم که فشار حزب دموکرات آذر بایجان کمتر خواهد شد و مخالفت‌های شمالیها نسبت به دولت مرکزی کمتر خواهد گردید و این اظهارات در افراد حزب توده مؤثر واقع شده روی هم رفته تشکیلات توده را یک قدرت بزرگی تصور می‌نمایند.....^{۷۱} فراكسیون در اقدامی دیگر در نامه‌ای به مجلس شورای ملی از تقاضای جامعه بانوان تهران مبنی بر برابری حقوق زنان با مردان از نظر قانونی از مجلس حمایت کرد و فداکار از امضا کنندگان این نامه بود و در جریان تصویب لایحه بودجه کشور سال 1323ش، به عنوان مخبر اقتصادی در مجلس نقشی فعال داشت. از جمله مهم‌ترین قوانینی که در دوره چهاردهم به تصویب رسید عبارت بودند از: 1- لغو اختیارات دکتر میلپیو رئیس دارایی در تاریخ 18 دی ماه 1323ش، 2- طرح تحریم انتخابات دوره پانزدهم مجلس تا زمانی که کشور از نیروهای دولت‌های متفق تخلیه نشده است.^{۷۲}

آخرین اقدامات فداکار در حزب توده

نخستین کنگره حزب توده در 10 مرداد 1323 ش، در تهران برگزار شد، در این کمیته، اعضاء کمیته مرکزی و کمیسیون کل انتخاب و ساختار رهبری مشخص شد و همچنین در میان اعضا تقسیم کار صورت گرفت. فداکار در زیر مجموعه هیات رهبران در کمیسیون تشکیلات که مسئولیت آن برعهده عبدالصمد کامبخش بود قرار گرفت.^{۷۳}

در جریان اعتصاب کارگران اصفهان در زمان دولت ساعد و تعطیلی کارخانه‌ها فداکار به اصفهان بازگشت. با وجود اینکه کارفرمایان عازم تهران شده بودند، کارگران به دستور و مشورت وی در غیاب کارفرمایان و بی اجازه آنها، جریان کار را در دست گرفته و انبارها را باز کردند و مشغول به کار شدند. مراتب از طرف او به اطلاع نخست وزیر رسانده شد.^{۷۴} نخست وزیر ساعد در تلگرافی به او پاسخ داد: «... مطابق قانون مجازات عمومی بدون رضایت صاحبخانه نمی‌توان وارد خانه شده و دخالت و تصرف در اموال و امور کرد...»^{۷۵} با این حال کارگران در اقدامی مبادرت به تصرف اجناس به عنوان دستمزد خود کرده و این کار موجب اعتراضات بخشی از نمایندگان مجلس شد. به دنبال این بحران اتحادیه کارگران تضعیف و به دو گروه هوادار و مخالف حزب توده تقسیم شد.^{۷۶}

به دنبال تشدید بحران در اصفهان، کارفرمایان موفق شدند فرج الله بهرامی استاندار وقت را به دلیل عدم همکاری با خود برکنار کنند. بدین ترتیب در 10 اردیبهشت 1323ش/1943م، ساعد که از رویدادهای اصفهان و افزایش قدرت حزب توده و اتحادیه کارگران ناراضی بود، افشار را که مخالف سرسخت حزب توده بود را به جای بهرامی به استانداری اصفهان منصوب کرد. نکته قابل توجه این است که به نظر می‌رسد، این انتصاب از حمایت نماینده انگلستان برخوردار بوده است، اما از آن جایی که افشار در سال 1313ش/1948م، به اتهام فساد و رفتار خلاف به انفسال دائم از خدمات دولتی محکوم شده بود این انتصاب اعتراض نمایندگان مجلس را در پی داشت و فرصتی را در اختیار حزب توده قرار داد تا دست به تبلیغات منفی ضد دولت زده و به این ترتیب افشار پس از چند هفته به تهران فراخوانده شد.^{۷۷} این اعتراضات از جمله آخرین اقدامات فداکار در اتحادیه بود زیرا هر روز از قدرت و توان او در اتحادیه کاسته می‌شد و پس از کاهش میزان محبوبیت او در میان کارگران و ایجاد تفرقه و اختلاف در میان اعضا و حزب توده و کارشکنی‌های دولت اتحادیه به سوی فروپاشی رفت. بدین ترتیب فداکار در حد فاصل سال‌های 1321 لغایت 1324 نماینده مجلس شورای ملی بود و پس از پایان دوره مجلس چهاردهم به اصفهان بازگشت و به فعالیت‌های جانبی پرداخت.^{۷۸} پس از بازگشت به اصفهان همچنان فعالیت‌های او توسط نیروهای امنیتی تحت کنترل بود به ویژه آن که او را یکی از عوامل تحریک کننده کارگران برای حمله به سه کارخانه نور، پشم باف و نختاب به شمار می‌رفت. در بخشی از گزارش نیروهای امنیتی آمده است:

((.....نامبرده در فروردین ماه 1325 موقعی که از تهران به اصفهان وارد شده به علت این که کارخانه‌های نور و پشم باف و نختاب برای احترام ورود او به اصفهان سوت کارخانه را به صدا در نیاورده بودند در حدود پنجهزار نفر از کارگران و افراد وابسته به حزب منحلّه توده را تحریک می‌نماید که با در دست داشتن اسلحه و چوب و سنگ به سه کارخانه مذکور حمله نمایند که مامورین انتظامی از ورود آنان به کارخانه نختاب جلوگیری ولی به دو کارخانه دیگر حمله کرده و کلیه اثاثیه آنان را می‌برند و ضمناً چند نفر از کارگران وابسته به اتحادیه کارگران را که مخالف حزب منحلّه توده بوده‌اند مضروب می‌نمایند.....))^{۷۹}.

از سندی مورخ 26/9/17، می‌توان دریافت در تمامی فعالیت‌های اعضای وابسته به حزب توده از سوی سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی تحت کنترل بوده است، در بخش از این سند آمده است: ((..... رضا روستا - عباس فرهنگد - فداکار وسایل حرکت خود را به اصفهان فراهم کرده و گویا در 15 ماه جاری به آنجا عزیمت نموده‌اند قدغن فرمایید مراقب کامل اعمال آنان معمول گردد.....))^{۸۰}

در گزارشی دیگر از چگونگی عملکرد فداکار و فعالیت کلوب رضا روستا در تهران در تاریخ 27/2/30 آمده است: ((.....بفرموده راجع به وضعیت کلوب رضا روستا واقع در خیابان کلیسا تحقیقات بعمل آمده کلوب روستا دبیرخانه شورای متحده مرکزی می‌باشد و تمام کارهای کارگران که در کارخانجات تهران و شهرستانها از لحاظ اتحاد کارگران در آنجا گذرانده می‌شود و هر روز در حدود هزار و هفتصد نفر ایاب و ذهاب می‌نمایند چون تقی فداکار عضو شورای متحده مرکزی و وکیل قضائی کارگران می‌باشد روی اصل آن نه تنها روز 27 /2/13 بلکه همه روز یکی دو ساعت در کلوب روستا کار دارد - مراتب گزارش عرض شد.....))^{۸۱}

جدایی فداکار از حزب توده

روز به روز بر میزان قدرت حزب توده افزوده می‌شد. حزب علاوه بر برخورداری از یک سازماندهی کار آمد، فراکسیونی فعال در مجلس و دستگاه تبلیغاتی وسیع، در جهت سازماندهی کارگران صنعتی برنامه‌هایی منظم و اصولی داشت و نهضت کارگری را تحت سلطه‌ی خود قرار داده بود و اسباب ناخشنودی ثروتمندان و کارفرمایان را فراهم کرده و این رویارویی پیامدهایی را در پی داشت. زیرا پس از آن که فداکار به عنوان رهبر اتحادیه کارگران اصفهان، برای تصدی کرسی نمایندگی خود در مجلس راهی تهران شد، نقش معتدل کننده او در اتحادیه به صورت چشمگیری کاهش یافت و حزب که پیوسته تندروتر می‌شد، کوشش می‌کرد تا بر نفوذ خود بر کارگران بیفزاید و این چیزی نبود کار فرمایان حاضر به پذیرش آن باشند. بنابراین تهدید کردند که در صورتی که اتحادیه، ارتباط خود را با حزب توده قطع نکند کارگران وابسته را اخراج خواهند کرد و تا حدودی نیز تهدیدات خود را عملی کردند، البته به دنبال آن اعتصابات کارگری آغاز شد و درگیری‌هایی نیز روی داد.^{۸۲} رشد روز افزون تشکیلات رقیب و بروز اختلافات در دل تشکیلات حزب توده، باعث شد تا فداکار راه خود را از حزب توده جدا کند. می‌توان گفت از زمان مرگ سلیمان میرزا اسکندری اختلافات مابین فداکار و کمیته مرکزی خود را نشان داد و هر روز بر شدت این اختلافات افزوده شد، کمیته مایل به اعزام اعضای خود به اصفهان بود، با این حال فداکار به دلیل فاصله گرفتن از شایعات پیرامون خود در خصوص دریافت پول از جانب کارخانه داران از استعفا خود داری می‌کرد. این موضوعی است که خود او در جریان نامه‌ای پس از خروجش از حزب در خصوص تاریخچه‌ی حضورش در حزب توده برای یکی از دوستانش مطرح می‌کند:

((.....بعد از فوت مرحوم سلیمان میرزا با کمیته مرکزی حزب توده اختلاف پیدا شد همینطور اختلاف شدید شده در اثر اختلافات همیشه در صدد استعفاء و کناره گیری بوده ولی به علت اینکه هیاهو و تهمت زده نشود که فداکار پول از مدیر کارخانه‌های اصفهان گرفته و استعفاء داده و کناره گیری کرده از استعفا و کناره گیری خود داری نموده تا در اوج قدرت حزب توده و شرکت در کابینه.....))^{۸۳}

البته به دلیل اقدامات او در تحریک کارگران به اعتصاب و اعتراض، کارخانه داران نیز از جدایی او از حزب توده استقبال می‌کردند. وی پس از حضور و معرفی وزرای حزب توده‌ای در دولت پیامی علنی به کمیته مرکزی حزب توده فرستاد و عدم همکاری خود را اعلام کرد و در 15 آذر 1325 ش، کتباً در جواب دعوتنامه مرکزی علل استعفای خود را شرح داد حزب بخشنامه‌ای صادر کرد و اعضای حزب را از مراوده و معاشرت با وی منع کرد. به این ترتیب، در مرداد 1326 ش، حکم اخراج وی در روزنامه مردم به چاپ رسید و در مرداد ماه 1326 ش، بر حسب رأی کنگره از حزب اخراج شد اما پس از آن به مدت سه سال به اصفهان بازنگشت. او حتی دعوت برای فعالیت در احزاب و گروه‌های سیاسی جدید التأسیس را به منظور همکاری کرده بودند نپذیرفت و تنها مدتی به عضویت هیئت مدیره جمعیت وکلای دادگستری اصفهان در آمد.^{۸۴} در گزارشی محرمانه از سوی (سازمان اطلاعات امنیت کشور)، در خصوص این موضوع که حزب مردم از، فداکار برای عضویت در این حزب دعوت به عمل آورده، آمده است: (..... بنا به اظهارات نادعلی کریمی نماینده سابق مجلس شورای ملی اخیراً آقای اسداله علم رهبر حزب مردم پیامی برای تقی فداکار نماینده سابق مجلس شورای ملی و عضو پیشین کمیته مرکزی حزب منحل توده که مقیم اصفهان است فرستاده و از وی دعوت نموده که عضویت حزب مردم و رهبری کمیته محلی این حزب را بپذیرد. پس از آنکه این پیام به فداکار می‌رسد نامبرده یکی دو روز جوانب کار را مطالعه و پاسخ منفی می‌دهد).^{۸۵} این نکته شایان توجه در خصوص او پس از کناره‌گیری از مناصب حزبی، عضویت در باشگاه بین‌المللی لاینز^۱ است. این آکلپ سازمانی فراماسونری بود که در ایران به صورت علنی فعالیت می‌کرد.^{۸۶}

پایان زندگی فداکار

در پی ترور نافرجام شاه در بهمن 1327 ش، مدتی او به زندان افتاد و با وساطت مصدق آزاد شد. پس از آن کاملاً از فعالیت‌های سیاسی کناره گرفت^{۸۷} و به شغل وکالت و کشاورزی پرداخت و از این زمان بود که حزب توده نیز روز به روز از بدنه جامعه فاصله بیشتری گرفت و محدودتر شد.^{۸۸} او پس از کناره‌گیری از فعالیت در حزب توده هم از تحت کنترل نیروهای امنیتی بود. در بازجویی که

^۱ این باشگاه در سال 1915 م، در تگزاس شکل گرفت و نخستین شعبه آن در اواخر دهه سی در ایران ایجاد گردید و در دهه چهل شعب آن در شهرستان‌های مشهد، تبریز، اصفهان و برخی شهرهای دیگر تأسیس شد.

در 46/4/27، از وی به عمل آمده در پاسخ به این سوال که آیا تاکنون از طرف مراجع انتظامی بازداشت و تحت پیگرد قرار گرفته است یا نه عنوان می کند: ((.....در تمام عمر خود یک ساعت هم بازداشت نشده ولی در سال 1327 به علت سابقه عضویت در حزب توده در سالهای 1322 و 1323 و 1324 و 1325 در دادسرای ارتش مورد تعقیب ولی به علت ارائه مدارک سوابق اخراج اینجانب از طرف کمیته مرکزی حزب مزبور در سال 1326 و مبارزات در جرائد بالاخره به وسیله بازرس دادسرای ارتش با موافقت دادستان کل قرار منع تعقیب اینجانب صادر گردید.....)).^{۸۹}

وی در 1351ش/1972م، زمانی که برای سرکشی به زمین‌های خود رفته بود در حدود ساعت پنج صبح توسط یک ماشین زیر گرفته شد و مدتی بعد از این حادثه در گذشت.^{۹۰} در سلسله اسناد منتشر شده ساواک در تاریخ 51/4/11 گزارشی از طرف سازمان اطلاعات و امنیت استان اصفهان در خصوص چگونگی مرگ او آمده است: ((....درباره تقی فداکار فرزند محمد نامبرده بالا در تاریخ 51/4/7 در اثر تصادف با اتومبیل در جاده اصفهان شیراز فوت نموده است. مراتب جهت استحضار و انعکاس در پرونده مربوطه اعلام گردد.....)).^{۹۱} هرچند در خصوص مرگ وی اختلاف نظرهایی وجود دارد و این دیدگاه، که ممکن است او از سوی نیروهای امنیتی به قتل رسیده باشد نیز مطرح است، اما با توجه به این نکته که، فداکار در اواخر عمر تقریباً از تمامی کارهای سیاسی فاصله گرفته و فعالیت خاصی انجام نمی داد، صحت این ادعا را مورد تردید است. جسد او در کنار برادرش، در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی از اقوام مادریش، در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.^{۹۲}

نتیجه گیری

در پایان می توان گفت پس از سقوط سلطنت رضاشاه در شهریور 1320ه.ش/1941م، فضای نسبتاً آزاد سیاسی این فرصت را به چهره‌های شاخص و سرشناس سیاسی و مذهبی داد تا با از سرگیری فعالیت‌های خود، خون تازه‌ای در رگ‌های مبارزات سیاسی در کشور جاری سازند. در کنار این اشخاص همچنین مجالی برای شخصیت‌های جوان و تازه کار فراهم شد تا به میدان رقابت قدم گذاشته دست به فعالیت بزنند. در فاصله کوتاه‌ای احزاب و گروه‌های سیاسی زیادی جان تازه گرفته و در شهرهای مختلف کشور از جمله در شهر اصفهان به فعالیت مشغول شدند. حزب توده نیز

که با شعار حمایت از کارگران فعالیت خود را از سر گرفته بود به دلیل وجود کارخانجات نساجی و حضور کارگران در شهر اصفهان، شعبه‌ای از حزب را در شهر اصفهان تأسیس کرد. از همکاران این حزب در اصفهان شخصی به نام تقی فداکار از وکلای دادگستری بود. با شروع فعالیت‌های سیاسی حزب در اصفهان اعضای وابسته و نمایندگان آن‌ها در کارخانه‌ها موفق شدند از طریق سخنرانی، کارگرانی را که به دلیل شرایط سخت اقتصادی به دنبال مطالبات صنفی خود بوده به سمت حزب جذب کرده و با راه اندازی اعتصابات و اعتراضات به فعالیت تشوق کنند. حمایت کارگران از اینگونه حرکت‌ها سبب شد، تا فداکار به عنوان چهره‌ای فعال بتواند رهبری این اعتراضات را برعهده بگیرد و به همراه دیگر اعضای حزب اتحادیه کارگری را در شهر اصفهان تأسیس کند. در حقیقت وی در کنار همقطاراننش با تشکیل اتحادیه کارگری در این شهر به جذب طبقه کارگر پرداخت و با حمایت از خواسته‌های صنفی کارگران، اتحادیه را به یکی از قوی‌ترین اتحادیه‌های کارگری کشور تبدیل ساخت. این امر نشان داد که چگونه حزب توده به جلب طبقه کارگر به عنوان قشری تاثیرگذار در روند حوادث سیاسی در کشور توجه داشت.

این حرکت او باعث شد از طریق مذاکره با مقامات شهر و کارخانه داران به تعدادی از خواسته‌های صنفی کارگران جامه عمل بپوشاند و به عنوان رهبر اتحادیه به محبوبیتی در میان کارگران دست یابد. البته این محبوبیت از جانب مقامات شهر اصفهان که از نفوذ او در میان قشر کارگر و برگزاری اعتصابات و اعتراضات و افزایش قدرت اتحادیه کارگران وابسته به حزب توده، ناراضی بودند، پذیرفته شده نبود. فداکار در جریان مناسبات سیاسی و با حمایت کارگران به عنوان نماینده راهی چهاردهمین مجلس شورای ملی شد و با عضویت در فراکسیون حزب توده به فعالیت‌های خود پرداخت. اقدامات او تا کودتای 28 مرداد 1332 ه.ش/ 1953 م، و تنگ شدن فضای سیاسی و به انزوا رفتن حزب توده ادامه داشت.

یادداشت‌ها:

- 1 - عیوضی، محمد رحیم، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380، ص 143.
- 2 - طبری، احسان، کز راه خاطراتی از تاریخ حزب توده، تهران: انتشارات امیر کبیر، 1373، ص 52.
- 3 - گروهی از نویسندگان، سیاست و سازمان حزب توده موسسه مطالعات از: آغاز تا فروپاشی، تهران: پژوهش‌های سیاسی، 1375، ج 1، ص 100.
- 4 - ویلم، فلور، اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران (1900-1941)، ترجمه ابوالقاسم لری، تهران: انتشارات توس، 1371، ص 85.
- 5 - آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه، تهران: نشر مرکز، 1387، ص 315.
- 6 - ازغندی، علی رضا، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: نشر قومس، 1379، ص 52.
- 7 - فرمانداری نظامی شهرستان تهران، سیر کمونیزم در ایران از شهریور 1320 تا فروردین 1336، سازمان چاپ و انتشارات کیهان، 1336، ص 256.
- 8 - شیخی، الیاس، اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر، اصفهان: انتشارات دادیار با همکاری انتشارات فرهنگ مردم، 1383، ص 143.
- 9 - گروهی از نویسندگان، همان، ج 1، ص 100.
- 10 - ازغندی، علی رضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (1320-1357)، تهران: سمت، 1382، ص 282.
- 11 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، چپ در ایران، به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 1، ص 185.
- 12 - مهدوی، سید مصلح الدین، اعلام اصفهان، چاپ غلامرضا نصراللهی، 1387، ج 2، ص 249.
- 13 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، چپ در ایران، به روایت اسناد ساواک کادرهای حزب توده، تهران: ناشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 2، ص 185.
- 14 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 195.
- 15 - مهدوی، همان، ص 249.
- 16 - لاجوردی، حبیب، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، تهران: نشر نو، 1369، ص 270-269.
- 17 - حنیف، محمد، اصفهان در انقلاب، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج (طرح و نظارت: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) معاونت پژوهشی)، 1383، ص 395.

- 18 - شیخی، همان، ص 144.
- 19 - گروهی از نویسندگان، همان، ج 1، ص 100.
- 20 - لاجوردی، همان، ص 272.
- 21 - طبری، همان، ص 287.
- 22 - لاجینی، کامبیز، ازوانان تا وین، پژوهشی در خاطرات عزت الله باقری و نگاهی دیگر به تفکر چپ در گفتگویی با عزت الله باقری، تهران: نشر حنا، 1387، ج 1، ص 206.
- 23 - گروهی از نویسندگان، همان، ج 1، ص 100.
- 24 - ذبیح، سپهر، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، تهران: موسسه انتشارات عطائی، 1378، ص 195.
- 25 - طبری، همان، ص 52.
- 26 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 198.
- 27 - لاجوردی، همان، ص 270.
- 28 - لاجوردی، همان، ص 280.
- 29 - لاجوردی، همان، ص 269.
- 30 - حنیف، همان، ص 295.
- 31 - طبرانی، بهروز، اسناد و احزاب سیاسی ایران، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، 1376، ج 2، ص 253.
- 32 - لاجوردی، همان، صص 467-470.
- 33 - لاجوردی، همان، ص 278-280.
- 34 - لاجینی، همان، ص 214.
- 35 - لاجوردی، همان، ص 278-280.
- 36 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، ج 2، ص 187.
- 37 - لاجوردی، همان، ص 483.
- 38 - کی مرام، منوچهر، رفقای بالا، بی جا: شب‌آویز، 1374، ص 90.
- 39 - لاجوردی، همان، ص 483.
- 40 - روزنامه اصفهان، صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر: امیر قلی امینی، محل نگهداری مرکز اسناد و مدارک فرهنگی استان اصفهان، کتابخانه صائب، شماره 1 و 8، فروردین تا اسفند 1322.
- 41 - همان.
- 42 - همان، شماره 1 و 9.
- 43 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، ج 2، ص 188.
- 44 - کی مرام، همان، ص 90.

- 45 - سیف پور فاطمی، نصرالله، گزند روزگار، خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ جهانی دوم، بی جا: انتشارات شیراز، 1379، ص 289.
- 46 - اسکندری، ایرج، خاطرات ایرج اسکندری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1372، ص 148.
- 47 - نوذری، عزت الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران از مجلس دوم مشروطیت تا مجلی ششم انقلاب اسلامی، شیراز: انتشارات نوید، 1380، ص 33.
- 48 - مدنی، جلال الدین، تاریخ معاصر ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1370، ص 280-281.
- 49 - منتصری، هوشنگ، در آن سوی فراموشی یادی از دکتر (رضا رادمنش) دبیر کل اسبق حزب توده، بی جا: نشر پژوهش شیراز، 1379، ص 21.
- 50 - آبراهامیان، همان، ص 168.
- 51 - آبراهامیان، همان، ص 168.
- 52 - روزنامه اصفهان، همان، شماره 4.
- 53 - روزنامه اصفهان، همان، شماره 53، 26 آبان ماه 1322.
- 54 - آبراهامیان، همان، ص 175-177.
- 55 - شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، 1372، ص 222.
- 56 - حنیف، همان، ص 395.
- 57 - شیخی، همان، ص 148.
- 58 - کیانوری، نورالدین، خاطرات، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه، 1371، ص 97.
- 59 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، ج 2، ص 189.
- 60 - مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران 1320-1357، تهران: انتشارات روزنه، 1380، ص 66.
- 61 - ذبیح، 1378، 196.
- 62 - جمعی از پژوهشگران، 1387، 105.
- 63 - طبرانی، 1376، ج 1، 263.
- 64 - طبری، همان، ص 27.
- 65 - الموتی، ضیاءالدین، فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران: شرکت انتشارات چاپخش، 1370، ص 415.
- 66 - شجیعی، همان، ص 223.

- 67 - مقصودی، 66، 1380.
- 68 - الموتی، همان، ص 416.
- 69 - شجیعی، همان، ص 223.
- 70 - گروهی از نویسندگان، همان، ج 1، ص 107.
- 71 - تفرشی، مجید؛ طاهر احمدی، محمود، گزارش‌های محرمانه شهربانی (26-1324)، تهران: چاپ شقایق، 1371، ج 1، ص 88.
- 72 - شجیعی، همان، ص 223.
- 73 - گروهی از نویسندگان، همان، ج 1، ص 107-108.
- 74 - جامی، ن، گذشته چراغ راه آینده است، بی‌جا: انتشارات ققنوس، 1362، ص 205.
- 75 - جامی، همان، ص 206.
- 76 - عظیمی، همان، ص 136.
- 77 - عظیمی، همان، ص 136.
- 78 - لاجوردی، همان، ص 300.
- 79 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 192.
- 80 - مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379، ج 5، ص 47.
- 81 - مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379، ج 5، ص 49.
- 82 - عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران 1320-1332، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر البرز، 1372، ص 134-135.
- 83 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 190.
- 84 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 196.
- 85 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 194.
- 86 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 196.
- 87 - لاجوردی، همان، ص 444.
- 88 - جعفریان، 1385، 18.
- 89 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 195.
- 90 - لاجوردی، همان، ص 444.
- 91 - مرکز بررسی اسناد تاریخی، همان، 1382، ج 2، ص 201.
- 92 - مهدوی، همان، ص 250.

